

مهرداد فلاحتگر، بازیگر سینما و تلویزیون درگذشت

مهرداد فلاحتگر، بازیگر سینما و تلویزیون پس از مدت‌ها مبارزه با بیماری سرطان در سن ۶۶ سالگی درگذشت، مهرداد فلاحتگر، بازیگر و کارگردان متولد ۸ مهر ۱۳۳۸ در بابل بود. او تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی رشته بازیگری در

نیایش احمدی کتاب «جزیره گمشده

من» که توسط به‌نشر به بازار کتاب آمده، اثری است روایت در روایت که همزمان سه داستان موازی را دنبال می‌کند. هر یک از شخصیت‌ها به نوعی با امام رضا(ع) مواجه شده و مسیر زندگی‌شان دگرگون می‌شود، معجزاتی از ایشان را تجربه می‌کنند ووجه‌اشتراک همه داستان‌ها که با آن مواجه می‌شوند، شخصیت معین الضعفایی امام رضا(ع) است. این شیوه روایت در روایت، در ادبیات کهن ایران سابقه‌ای طولانی دارد؛ از آثار کلاسیکی مانند «هزار و یک شب»، «کلیله و دمنه»، «مثنوی معنوی» و «منطق الطیر» گرفته تا امروز که در این کتاب با نگاهی مدرن و زاویه دید چندگانه ارائه شده است. شروع و پایان غافلگیرکننده داستان و استفاده از تعلیق، خواننده را تا انتها با خود همراه می‌کند و تجربه‌ای متفاوت از داستان خوانی فراهم می‌آورد.

مظفر سالاری، نویسنده این اثر با رزمه‌ای درخشان در حوزه ادبیات داستانی و پژوهش‌های فرهنگی، پیش‌تر آثاری موفق مانند «رؤیای نیمه‌شب» با محوریت امام‌زمان(عج) را منتشر کرده است. آثار قبلی ایشان نیز همواره با نگاهی دقیق به زندگی انسان و ارتباط او با مفاهیم معنوی و فرهنگی، مخاطب را به تفکر و تأمل دعوت کرده‌اند و این بار نیز همان نگاه عمیق و جسورانه در «جزیره گمشده‌من» ادامه یافته است.

به‌بهانه فرارسیدن ایام شهادت علی بن موسی الرضا(ع) و با توجه به اینکه موضوع کتاب نیز حول محور ایشان شکل گرفته است، فرصتی پیش آمد تا با نویسنده این اثر ارزشمند به گفت‌وگو بنشینیم و درباره مسیر خلق این اثر و نگاه نویسنده بیشتر بدانیم.

■ **ایده اولیه کتاب «جزیره گمشده من» چطور شکل گرفت؟**

حدود یک‌سال پیش از سوی بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) دعوت شدم به مشهد سفر کنم. در همان ابتدا به‌من گفتند تمایل دارند رمانی درباره امام رضا(ع) نوشته‌شود؛ موضوع کلی «معین الضعفا بودن» امام رضا(ع) در نظر گرفته شده بود. هیچ سوره مشخصی ارائه نکردند و تنها همین چارچوب کلی را پیشنهاد دادند. مذاکرات اولیه میان ما به نتیجه رسید. هر چند تماس‌های بنیاد برای پیگیری این موضوع نزدیک به شش یا هفت ماه ادامه داشت. در یکی از سفرهایم از یزد به مشهد به مناسبت برنامه‌ای فرهنگی هماهنگ شد با دوستان بنیاد دیدار کنم. در آن جلسه درباره ایده رمان و شیوه نگارش آن گفت‌وگو کردیم و در نهایت قرارداد همکاری امضا شد. پس از حدود یک سال، رمان به نگارش درآمد و آماده شد. اصلاحات لازم روی آن انجام گرفت و سرانجام امسال در سالروز میلاد امام رضا(ع) در اختتامیه جشنواره امام رضا(ع) و با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از این رمان رونمایی شد.

■ **در نوشتن این اثر به چالش خاصی هم برخوردید؟**

بله، بدون تردید. مهم‌ترین چالش این بود که در ابتدا هیچ دستمایه یا سوره مشخصی در اختیار نداشتم. تنها تأکید بنیاد این بود که رمان باید درباره «معین الضعفا بودن حضرت» باشد. در زمان حال روایت‌شود و به مسائل امروز جامعه و مردم مایه‌پردازد. همین موضوع موجب شد انتخاب سوره، ساختار بخشی و طراحی شخصیت‌ها برای من کاری دشوار باشد. از سوی دیگر بنیاد می‌خواست نخستین رمان تولیدی‌اش اثری فاخر و درخور باشد؛ اثری که همه ویژگی‌های مثبت را در خود جای دهد. این انتظار، فشار و حساسیت کار را بیشتر می‌کرد، با این حال چون خودم علاقه‌مند بودم کاری دیگر در شأن امام رضا(ع) انجام دهم، با تمام وجود تلاش کردم. پیش‌تر رمان «دعبل و لقا» را درباره امام رضا(ع) و

دانشگاه آزاد اسلامی ادامه داد و فعالیت هنری خود را با بازی در تئاتر آغاز کرد و پس از آن به عرصه سینما و تلویزیون راه یافت. این هنرمند در طول سال‌های فعالیتش در فیلم‌های متعددی بازی کرده که بسیاری از آن‌ها جزو آثار شاخص سینمای ایران محسوب می‌شوند. از مهم‌ترین فیلم‌های او می‌توان به «زیر

گفت‌وگو با «مظفر سالاری» نویسنده و پژوهشگر ادبیات، با محوریت کتاب جدیدش در روزهای شهادت عالم آل محمد(ع)

روایتی نوین از کرامت‌های امام رضا علیه‌السلام در «جزیره گمشده من»



همچنین رمان «مرا با خودت ببر» را درباره امام جواد(ع) نوشته بودم. این اثر، سومین تجربه‌ام در این حوزه محسوب می‌شود؛ با این تفاوت که برخلاف کارهای پیشین، رویکرد تاریخی نداشت و در فضایی معاصر روایت شد.

■ **در داستان، روایتی بود از یک زن هندی و مردی ایرانی که طبق ماجرای شبیه به معجزه، پس از اتفاقاتی در یک جزیره، سرانجام آن زن به مشهد می‌آید و همسرش را در آنجا ملاقات می‌کند. آیا این روایت هم مستند و تاریخی است؟**
بله، این روایت کاملاً مستند است. کتابی معتبر به نام «کرامات رضویه» عیناً این واقعه را نقل کرده است. اصل ماجرا واقعی است و من برای روایت داستان، کمی به آن شاخ و برگ داده‌ام. البته باید در انتهای کتاب به منبع اشاره می‌کردیم. این موضوع در چاپ نخست مغفول ماند، اما قطعاً در نسخه‌ها و چاپ‌های بعدی اصلاح خواهد شد. مشابه این تجربه را در کتاب «رؤیای نیمه‌شب» هم داشتم؛ اثری که درباره امام زمان(عج) نوشته‌ام. در چاپ اول آن کتاب، بسیاری از خوانندگان می‌پرسیدند آیا ماجرای تشریف «ابوراجح حمامی» و «اسماعیل هرقلی» واقعی است یا نه. پس از آن، در چاپ‌های بعدی منابع را در انتهای کتاب ذکر کردیم تا برای خواننده روشن باشد.

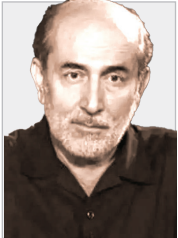
در رمان نویسی به ویژه در ژانر مذهبی یا تاریخی، مرسوم نیست در پایان کتاب منابع ذکر شود، با این حال، در سال‌های اخیر این کار بیشتر رواج یافته است؛ چرا که وقتی داستان به شخصیت‌های بزرگی چون امامان معصوم(ع) مربوط می‌شود، مخاطب مایل است بداند آیا ماجرا مستند است یا خیالی. به همین دلیل، در کتاب «جزیره گمشده من» نیز جا دارد چنین مأخذی اضافه شود. دانستن اینکه رمان دینی و تاریخی بر اساس سند معتبری کار شده، برای مخاطب مهم و جذاب خواهد بود؛ چرا که درمی‌یابد شخصیت‌های اصلی واقعی‌اند و این اتفاق‌ها و کرامت‌ها حقیقتاً رخ داده است. همین آگاهی، ارتباط خواننده با داستان را عمیق‌تر و باورپذیرتر می‌کند. ماجرای جزیره گمشده و پیرزنی که دخترش را راهزنان می‌دزدند و می‌برند، بر اساس دو ماجرای بوده که در کتاب کرامات رضوی نقل شده است.

■ **ماجرای دیگر شخصیت‌های کتاب، مانند «زهره»، واقعیت داشتند یا صرفاً برای پیشبرد داستان خلق شده بودند؟**

شخصیت‌هایی مثل زهره واقعی نبودند و بیشتر به‌منظور پیشبرد روایت داستانی شکل گرفتند، اما درباره مادر خوانده زهره، یعنی «خانم سلطان» ماجرا متفاوت است. آنچه در کتاب درباره او و بیماری‌هایش نوشتم، برگرفته از یک تجربه واقعی بود که در همسایگی‌مان دیده‌بودم. ماجرای آن خانم سال‌خورده این گونه بود که او همیشه برای نماز جماعت به مسجد می‌رفت، اما به تدریج دچار مشکلات حرکتی شد؛ پاهایش ناتوان و تا حدی فلج شد و چشم‌هایش نیز آب‌مروارید گرفت. یادم هست برای راحتی او، تمام ظروف و حتی اجاق گاز را روی زمین گذاشته بودند تا بتواند همچنان آشپزی کند. خانم‌های همسایه که به دیدنش می‌رفتند، بارها از او می‌شنیدند که می‌گفت: «برایم دعا کنید خوب شوم و دوباره همراه همسرم به نماز جماعت بروم». دیگران هم با نوعی تعجب و لبخند می‌گفتند: «فلانی چقدر امیدوار و خوش‌باور است که فکر می‌کند دوباره خوب می‌شود». اما وقتی او را به بیمارستان بردند و عمل جراحی

پوست شهر»، «جرم»، «تردید»، «رسم عاشق کشی»، «آژانس شیشه‌ای»، «شور عشق» و «سیندرلا» اشاره کرد. حضور در این آثار نه تنها توانایی‌های بازیگری او را به نمایش گذاشت، بلکه موجب شد نامش در کنار چهره‌های مطرح سینمای ایران بدرخشد. بخشی از مجموعه‌های تلویزیونی این هنرمند

عبارت‌اند از: «مردان آنجلس»، «بچه مهندس»، «شاید برای شما اتفاق بیفتد»، «زیرخاکی»، «محاكمه» و... او در مجموعه تلویزیونی «یوسف پیامبر(ع)» ایفاگر نقش «سینوهه» پزشک دربار بود. روز گذشته همسر این بازیگر اعلام کرد پیکر مهرداد فلاحتگر امروز در بابل به خاک سپرده می‌شود.



دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴ | ربيع الاول ۱۴۴۷ | ۲۵ آگوست ۲۰۲۵ | سال سی و هشتم | شماره ۱۰۷۲۵ | **WWW.QUDSONLINE.IR**

نیز بخش عمده‌ای از نبرد نهایی ایشان با همین جریان‌ها خواهد بود. از این منظر، جنگ ۱۲ روزه‌ای توان حقیقتاً «دفاعی مقدس» دانست. اما برای تبدیل چنین واقعه‌ای به یک رمان فاخر، باید فاصله هنرمندانه‌ای با آن گرفت. همان‌طور که در دفاع مقدس، آثار ماندگار و ادبیات قوی عمدتاً پس از گذشت یک دهه شکل گرفت، اینجا هم نیازمند زمان هستیم. در کوتاه‌مدت می‌توان خاطرات، گزارش‌ها و تاریخ شفاهی را ثبت کرد تا ماجرا فراموش نشود. ولی برای خلق یک رمان جدی و اثر ادبی ماندگار، نیاز به نگاه کلان، اشراف و عمق بیشتری است. از طرفی بیشتر آثار من تاکنون بر اساس سفارش شکل گرفته‌اند. یعنی زمانی که خودم قصد دارم به سراغ سوره‌های ذهنی و دغدغه‌های شخصی بروم، از نشری پیشنهادی تازه می‌رسد و کاری زمین مانده یا مهم به من سپرده می‌شود. بنابراین گرچه علاقه‌مندم به چنین فضایی بپردازم، اما بستگی به شرایط، پیشنهادها و زمان مناسب دارد تا بتوان از جنگ ۱۲ روزه نیز روایتی ادبی و اثرگذار خلق کرد.

■ **در نوشتن رمان هایتان پژوهش خاصی هم انجام می‌دهید یا از منابع مشخصی استفاده می‌کنید؟**

بله، پژوهش بخشی جدایی‌ناپذیر از کار من است، به ویژه در رمان‌های تاریخی که نیازمند دقت و صحت بالایی هستند. در این گونه آثار، حجم پژوهش‌ها بسیار زیاد است و تلاش می‌کنم روایت داستانی را به گونه‌ای پیش ببرم که با مستندات تاریخی همخوانی داشته باشد. اما در رمان‌های معاصر ماجرا کمی متفاوت است. در اینجا بیشتر باید به دنبال قصه‌ای جذاب، شخصیت‌هایی باورپذیر و یک لوکیشن مناسب باشم. با این حال، حتی در این نوع آثار هم پژوهش جدی جایگاه خودش را دارد. برای نمونه در رمان «جزیره گمشده من» بخشی وجود داشت که در آن قندیل‌هایی ساخته و به حرم مطهر امام رضا(ع) اهدا می‌شد. همین قسمت مستلزم پژوهش‌های گسترده‌ای بود تا روایت دقیق و درست شکل بگیرد. همچنین درباره صنایع دستی که در رمان مطرح شده، تحقیقات مفصلی انجام دادم. به‌طور کلی، شیوه پژوهش من ترکیبی است؛ هم مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌دهم، هم از فضای مجازی بهره می‌گیرم و هم در صورت ضرورت با افراد مطلع و متخصص مصاحبه می‌کنم. پژوهش سبب می‌شود روایت نهایی هم از نظر ادبی غنی باشد و هم از نظر مستندات، قابل اتکا.

■ **در حال حاضر مشغول نوشتن چه کاری هستید؟**

این روزها بیشتر تمرکز من روی یک مجموعه چهارجلدی دانشنامه‌ای درباره یزد است؛ مجموعه‌ای که با هدف معرفی بهترین شهر به میهمانان و گردشگران تدوین می‌شود. هر جلد به موضوعی مستقل اختصاص دارد؛ یکی درباره ضرب‌المثل‌ها، دیگری درباره مشاهیر یزد، جلدی مخصوص آداب و رسوم و جلدی هم درباره معماری یزد. اکنون مشغول به پایان رساندن جلد مربوط به ضرب‌المثل‌ها هستیم؛ اثری در حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ صفحه که به صورت مصور نیز منتشر خواهد شد.

علاوه بر این، پروژه‌ای دیگر هم در دست دارم: «دانشنامه قرآنی نوجوان». تاکنون پنج جلد از آن منتشر شده و سال گذشته در «کتاب سال جمهوری اسلامی» در بخش کودک و نوجوان مورد تقدیر قرار گرفت. این مجموعه قرار است در ۱۴ جلد تکمیل شود و شامل حدود هزار و ۴۰۰ مدخل قرآنی خواهد بود. ویژگی برجسته آن سادگی و روانی نثر است؛ به گونه‌ای که مفاهیم عمیق قرآنی را به شکلی قابل فهم برای نوجوانان بیان می‌کند و در عین حال برای بزرگسالان هم خواندنی و مفید است. هر سال یک جلد از این مجموعه منتشر می‌شود. از میان تازه‌ترین آثارم هم می‌توانم به دو کتابی اشاره کنم که امسال منتشر شدند: «جزیره گمشده من» و «گنج‌های کامبرین». همچنین کتابی درباره حضرت خدیجه(س) در دست انتشار دارم که سه‌گانه‌ای است و سه مقطع مختلف از زندگی ایشان را روایت می‌کند. کتاب اول آن آماده چاپ است.

■ **در خط روایت داستان، فضا سازی های پر رنگ و دقیقی از شهر یزد، آداب و رسوم و فرهنگ آن دیده می‌شود. چطور توانستید چنین فضا سازی هایی را ایجاد کنید و چه عواملی در این امر نقش داشت؟**

بخشی از این مسئله به تجربه زیسته من بازمی‌گردد. مدتی برای تحصیل به قم رفتم و پس از چند سال به یزد بازگشتم. همین فاصله و دوری سبب شد هنگام بازگشت، یزد را با نگاهی تازه ببینم؛ انگار آن را دوباره کشف کرده باشم. در کودکی همیشه حسرت می‌خوردم که چرا باید در کویری خشک، میان خانه‌های خشتی و گلی زندگی کنم و تصورم این بود که جای چندان مناسبی برای زیستن نیست.

اما وقتی دوباره به یزد برگشتم، همان محیط برایم رنگ و بویی دیگر داشت؛ نوعی آشنازدایی اتفاق افتاد و زیبایی‌های یزد را جور دیگری درک کردم. این نگاه تازه سبب شد در بسیاری از آثار اخیرم یزد را به عنوان بستر روایت انتخاب کنم؛ برای نمونه در رمان «شب صورتی» یا در مجموعه داستان «قصه‌های من و ننه آقا» که به یزد می‌پردازد و حتی در رمان «گنج‌های کامبرین» که امسال در نمایشگاه رونمایی شد.

■ **با توجه به اینکه به عناصر بصری و فضا سازی در داستان هایتان اهمیت می‌دهید، آیا قصد دارید از ماجرای «جنگ ۱۲ روزه» هم به عنوان فضای تازه‌ای در آثار آینده‌تان استفاده کنید؟**

به نظر من این جنگ یکی از مهم‌ترین نبردهایی بود که پس از جنگ خیبر رخ داد؛ چرا که در آن ما به طور مستقیم با صهیونیست‌ها درگیر شدیم و همین مسئله آن را به یک نبرد مقدس و تاریخی تبدیل کرد. تفاوت اساسی این جنگ با دفاع مقدس هشت‌ساله در همین نکته است که در آن دوران ما ناچار بودیم با برادران دینی خود، یعنی مردم عراق بجنگیم؛ هر چند جنگ تحمیلی بود و دفاع از کشور واجب. همین موجب می‌شد تلخی و رنج مضاعفی احساس کنیم، چون می‌دانستیم پشت ماجرا توطئه بیگانگان است تا مسلمین را به جان هم بیندازند. اما در این جنگ اخیر، برای بسیاری از مردم آرزویی محقق شد؛ اینکه رودررو با دشمن اصلی یعنی صهیونیست‌ها بجنگیم، چون صهیونیسم‌شر مطلق است و در هر عرصه و صحنه‌ای باید با آن مقابله کرد.

در تاریخ نیز بارها شاهد بودیم یهودیان افراطی و جریان‌های همسو با آنان برای جهان اسلام مشکلات و چالش‌های بزرگی آفریده‌اند. حتی بر اساس روایت‌ها، در زمان ظهور امام زمان(عج)

آگهی تجدید مزایده عمومی

شماره تجدید مزایده در سامانه ستاد: ۵۵۰۴۰۹۵۵۰۴۰۰۰۰۱۴

موضوع تجدید مزایده: بهره برداری تعدادی از فضاهای تبلیغاتی سطح شهر مشهد مطابق لیست های مندرج در اسناد مزایده به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط به صورت اجاره مدت بهره برداری: هجده ماه کامل شمسی

مبلغ پایه: مطابق شرح اسناد مزایده

جهت اطلاعات تکمیلی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به نشانی www.ir.k.ir مراجعه نمائید.

معاونت خدمات و محیط زیست شهری

سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

آگهی تجدید مزایده عمومی

شماره تجدید مزایده در سامانه ستاد: ۵۵۰۴۰۹۵۵۰۴۰۰۰۰۱۳

موضوع تجدید مزایده: واگذاری بهره برداری از فضای تبلیغاتی چهارصد دستگاه اتوبوس برای اکران تبلیغات شامل : بدنه اتوبوس های اسکانیا ۳۱۱۲ و بنز ۴۵۷ مدیفاید، فضای داخل اتوبوس ، تبلیغات بر روی شیشه هامطابق شرایط اسناد مزایده

مدت واگذاری فضاهای تبلیغاتی: سه سال و هشت ماه شمسی مطابق شرایط اسناد مزایده می باشد .جهت اطلاعات تکمیلی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir وهمچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به نشانی www.ir.k.irمراجعه نمائید.

معاونت خدمات و محیط زیست شهری

سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

اچاپ افست | چاپ شیت | چاپ رول | یووی |

اسلفون | لیتوگرافی | صافی | برش |

مجهزترین چاپخانه شرق کشور با پرسنل حرفه‌ای

